

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

انجنیر سید مختار دریا

۱۸ فبروری ۲۰۲۴



ایف سان لوران

باز ملای سر کوچه همسایه ما
با دو تا شاگردش
داخل مجلس ما گشت و کتابی بر دست
من ندانم چه کتابی است و یا نامش چیست
شاید این نامه ز رنجستان است
یا که فتوای دگر
از کتاب لجنستان باشد
یا ز کورستان است (شهر کوران)
بعد یک خطبه غولانه و دور از معنی
چند حرف عربی... نا مفهوم
گفت بسم الله
سرش از سنگینی دستار گرانش گاهی
به سر سینه او خم می شد
چه هوا گرم و عرق.. این عرق بیخردی
چک چک از گوشه ریش و گوشش
سر کشی کرده ز بیراهه آن دامن تر از تزویر
از خلال همه آن چین و چروک

ره خود یافته می لولیدند
یک تن از جا برخاست
قوٹی از کلینکس سرباز
دم دستش روی منبر بگذاشت
این زمان دفتر فتوا شد باز
دادو فریاد ملا گشت بلند
های ای مردم نادان و بدور از ره دین
تا بکی جنس حرام
به سر و صورت تان می مالید
آخر ای خلق خدا روز محشر چه جوابی دارید
این کلینکس ز شهر کفر است
هر چه از شهر فساد آور کفر آمده است
به شما می گویم و اشارت به کتابش می کرد
آخر این فتوا است
این حرام است. حرام است حرام
همه سر ها پائین. خجل از این عمل ناموزون
چون که ملا گفته. که کلینکس حرام است حرام
پسرک نیز دوید و چون برق
قوٹی باز کلینکس سر منبر را
دور افگند و به ملا نگرست
شاید او منتظر یک بارک الله پش بود
ملا از فرط عرق
حرفهایش که نه ته داشت و نه سر
بد تر و بد تر و بدتر گردید
با شف لنگی خود
عرق از روی و سر و گردن خود پاک نمود
نفسی دور و درازی بکشید
با وقاحت که در او شکل غبا واضح بود
باد در غبغیش انداخته و خواست حدیثی سازد
بر سر منبر پیغمبر تان
بایدت پاک و معطر باشی
همگی چون که در این مجلس پر فیض آیند
پاک و پاکیزه و خوشبوی و معطر باشند
چون ملایک همگی شاهد تان می باشد

این بگفت و به سراغ جیش
رفت و یک شیشه عطری بکشید
به سر و صورت خود می پاشید و چنین آهسته
اینچنین می گفت الله... صل... محمد
مارک آن بوتل عطر
ایف سانت لوران بود
به خودم خنده زنان می گفتم
این لجنزاده چه حد نادان است
مختار دریا ۶ سپتمبر ۲۰۱۵ کانادا